

Revisiting the Historic Garden City of Ramhormoz Based on the Analysis of a 1956 Aerial Photograph and Oral Narratives

Sajad Moazen¹

Abstract

in addition to its well-known historic cities, Iran encompasses numerous forgotten historic cities. While most of these cities lack cohesive historical urban fabric, visual documents—particularly the 1956 aerial photographs—and oral history provide valuable accounts of these cities.

Purpose: Revisiting these cities based on documented evidence offers the potential to revive authentic traditions of living in Iran's diverse climates. This study focuses on rediscovering the original state of Ramhormoz and its neighborhood system.

Method and Research Design: This research adopts an interpretive-historical approach, relying on the 1956 aerial photograph and oral narratives from individuals who recall the city's original state prior to the interventions initiated in 1960. The research progresses by correlating oral accounts with the physical features observable in the aerial photograph.

Findings & Conclusion: Located in the eastern part of Khuzestan Province, Ramhormoz is a city with a longstanding history of settlement. Its warm, semi-humid climate with prolonged summers significantly influenced its urban structure, resulting in a city surrounded by fruit orchards and characterized by houses with diverse subterranean spaces. Before modern interventions, the city exhibited a garden-city structure, deeply integrated with the surrounding orchards. The study identifies and maps the boundaries of the city's original neighborhoods and the surrounding gardens.

Keywords: Revisiting; Ramhormoz; Neighborhood Structure; 1956 Aerial Photograph; Oral Narratives.

Citation: Moazen, S. (2024). Revisiting the Historic Garden City of Ramhormoz Based on the Analysis of a 1956 Aerial Photograph and Oral Narratives. *Ganjine-ye Asnad*, 34(2), 6-36. doi: 10.30484/ganj.2024.3153

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. Assistant Professor, Department of Renovation, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

sajadmoazen@iust.ac.ir

Copyright © 2024, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«134»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/ganj.2024.3153

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol: 34, No: 2, Summer 2024 | pp: 6 -36 (31) | Received: 26, Apr. 2024 | Accepted: 16, Jun. 2024

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئولوژی

مقاله پژوهشی

بازخوانی باغ شهر تاریخی رامهرمز براساس تطبیق عکس هوایی سال ۱۳۳۵ با اقوال شفاهی

سجاد مؤذن^۱

چکیده:

سرزمین ایران علاوه بر شهرهای تاریخی شناخته شده، دارای تعداد زیادی شهرهای تاریخی فراموش شده است. عمده این شهرها بافت تاریخی منسجمی ندارند؛ ولی اسناد تصویری و مهم ترین آن ها عکس های هوایی سال ۱۳۳۵ ش - و هم چنین اقوال شفاهی، راوی این شهرهای تاریخی اند.

هدف: بازخوانی این شهرها براساس مستندات، امکان احیاء سنت های اصیل زیست در اقلیم های مختلف سرزمین ایران را فراهم می کند. موضوع مقاله حاضر بازخوانی وضعیت اصیل شهر رامهرمز و نظام محله بندی آن است.

روش/رویکرد پژوهش: در این مقاله از روش تحقیق تفسیری-تاریخی استفاده شده است. مستندات استفاده شده در این تحقیق عکس هوایی سال ۱۳۳۵ و اقوال شفاهی کسانی است که وضعیت اصیل شهر -پیش از مداخلات شروع شده از سال ۱۳۳۹- را به یاد می آورند. پیش برد تحقیق با انطباق اقوال شفاهی با وضعیت کالبدی مشهود در عکس هوایی انجام شده است.

یافته ها و نتیجه گیری: شهر رامهرمز واقع در شرق استان خوزستان، یکی از شهرهایی است که سابقه تاریخی سکونت دارد. آب و هوای گرم و نیمه مرطوب و تابستان های طولانی بر ساختار این شهر تأثیری اساسی داشته و شهری احاطه شده با باغ های میوه و خانه هایی با فضاهای زیرزمینی متنوع را ایجاد کرده است. این شهر تا پیش از مداخلات قرن حاضر دارای ساختاری باغ شهری براساس پیوندهای کالبد شهر با باغات پیرامون خود بوده است. حاصل این تحقیق بازشناسی و ترسیم مرز محلات اصیل شهر و باغ های پیرامون شهر است.

کلمات کلیدی: بازخوانی؛ رامهرمز؛ محله بندی؛ عکس ۱۳۳۵؛ اقوال شفاهی.

استناد: مؤذن، سجاد. (۱۴۰۳). بازخوانی باغ شهر تاریخی رامهرمز براساس تطبیق عکس هوایی سال ۱۳۳۵

با اقوال شفاهی. گنجینه / اسناد، ۳۴ (۲)، ۳۶-۶ | doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۴.۳۱۵۳

۱. استادیار گروه مرمت دانشکده معماری
و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران،
تهران، ایران.

sajadmoazen@iust.ac.ir



گنجینه اسناد

۱۳۴

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۴.۳۱۵۳

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۴، دفتر ۲، تابستان ۱۴۰۳ | صص: ۳۶-۶ (۳۱)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۲۷

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

ایران دارای شهرهایی تاریخی با مقیاس‌های متفاوت و معماری متنوع است. دوربودن برخی از این شهرها از مرکز و نداشتن بنا یا بافتی با ویژگی‌های شاخص و مهم‌تر از این دو دلیل، تغییرات زیاد تحمیل شده بر چهره این شهرها در دهه‌های اخیر باعث شده است تا این شهرها کمتر دیده شوند. باتوجه به سابقه کهن و دارای استمرار شهرنشینی در سرزمین ایران، کمتر شهری در ایران یافت می‌شود که «شهر تاریخی» نباشد؛ ولی این که از مصادیق کالبدی و معمارانه آن شهرها چه اجزائی باقی مانده است و یکپارچگی بافت آن‌ها - که حاصل تجربه زیست انسان ایرانی در اقلیم‌های متنوع این سرزمین است - تا چه حد حفظ شده است، به تحولات دوره مدرن وابسته است. قرن ۱۴ هجری شمسی برای بافت‌های تاریخی شهرهای ایران، تحولات فراوانی در پی داشت که عمده این تحولات با تخریب همراه بودند. ورود خودرو به شهرها و ساخت خیابان‌های مورد نیاز آن، کوشش برای صنعتی شدن، افزایش جمعیت، کوچ از روستا به شهر و البته بسیاری از عوامل دیگر که خارج از حدود پژوهش حاضر است، در بسیاری از شهرها پیوستگی بافت تاریخی را از هم گسیخت. براساس میزان تغییرات حاصل از تخریب، طیف وسیعی از شهرهای تاریخی را می‌توان برشمرد؛ از شهرهای تاریخی دارای بافت تاریخی منسجم و تغییرات اندک تا شهرهایی که به جز چند بنای دور از هم، نتوانسته‌اند شاهی کالبدی از شهر تاریخی پیشین حفظ کنند.

مسئله مقاله حاضر درباره شهرهای انتهای طیف فوق‌الذکر شکل گرفته است؛ شهرهایی که شواهد کالبدی محدودی از تاریخی بودن آن‌ها باقی مانده است. آنچه ریخت شهرهای تاریخی ایران را - با اعمال قوه قهریه و نیرویی از خارج و نه براساس سیری تدریجی و میل حیاتی درونی - به تغییرات اساسی دچار کرد، تلاش برای جبران عقب‌ماندگی پیشین و متجدد کردن ایران سنتی بود. از مهم‌ترین ابزارهای این تلاش که بر ریخت شهرها مستقیماً تأثیر داشت موارد زیر است:

احداث کارخانه در محیط پیرامون شهر؛

احداث خیابان و تسهیل دسترسی در بافت درون شهر؛

احداث بناهای مدنی مدرن از جمله بانک ملی، ایستگاه راه‌آهن، شهرداری.

بازخوانی ریخت اصیل شهرهای تاریخی اولین گام در جهت شکل‌گیری فهم و شناخت تضمین‌کننده حفاظت از باقی مانده‌های آن شهر است. برای این بازخوانی رجوع به مستندات کالبدی موجود کافی نیست؛ چراکه بخش عمده شهر از بین رفته است و تک‌بناهای باقی مانده در بهترین حالت ممکن امکان استخراج الگوهای بومی معماری را فراهم می‌کنند و خوانش روابط بین اجزاء در مقیاس همسایگی و ساختار شهر و پیوندهای



آن با اجزاء و محیط طبیعی پیرامون، با بررسی وضع موجود ممکن نیست. بر همین اساس سه گونه مستندات دیگر دارای اهمیت می‌شوند: مستندات تصویری تاریخی -به‌ویژه عکس هوایی سال ۱۳۳۵ هجری شمسی (که از این پس به اختصار عکس ۳۵ خوانده می‌شود)؛ مستندات مکتوب؛ و مستندات شفاهی. میزان بهره‌برداری از هر کدام از سه گونه مستند ذکر شده و چگونگی برقراری پیوند بین آن‌ها متناسب با هر شهری تغییر می‌کند؛ به‌همین دلیل در این مقاله نمونه‌ای موردی -شهر رامهرمز در استان خوزستان- انتخاب شد تا با انجام مسیر پژوهش در این شهر چگونگی حصول قرائتی جامع از وضع اصیل شهر تاریخی روشن شود. شهرهای مدنظر پژوهش حاضر شهرهای کوچکی‌اند که در بین صاحب‌نظران و جامعه حرفه‌ای کمتر به‌عنوان شهر تاریخی شناخته می‌شوند و تابه‌حال جایگاهی در مطالعات تاریخ معماری ایران نداشته‌اند. شهری که در عکس ۳۵ مشاهده می‌شود، دیگر به این شکل وجود ندارد؛ ولی این شهر در ذهن اشخاصی که زیستن در آن را تجربه کرده‌اند موجود است؛ برای نمونه هنوز برای معرفی قدیمی‌های شهر، اهل کدام محله بودن مطرح می‌شود. براساس آنچه ذکر شد مسیر پژوهش حاضر در پاسخ به پرسش‌های زیر شکل گرفته است:

چگونه می‌توان بنیان‌های اصیل شکل‌دهنده به ساختار شهر و نظام محله‌بندی شهرهای تاریخی را که به تغییرات اساسی دچار شده‌اند- با پیوند بین مستندات بازخوانی کرد؟
براساس اسناد تصویری، مکتوب و شفاهی، رامهرمز اصیل و نظام محله‌بندی آن چه وضعیتی داشته است؟

بازخوانی وضع اصیل شهرها از این جهت دارای اهمیت است که راوی شکل پایدار زیست در اقلیم‌ها و خرده‌اقلیم‌های مختلف ایران است. وضع فعلی شهرها و چگونگی بهره‌گیری از منابع طبیعی و مشکلات زیست‌محیطی حاصل از آن، لزوم برقراری زیستی متعامل‌تر و پایدارتر با بستر را ایجاد می‌کند و از آنجاکه تجربه زیستن دیرینه انسان ایرانی، حاوی راه‌کارهایی ماندگار در این زمینه است، رجوع به درس‌هایی از وضع اصیل شهرنشینی در سرزمین ایران را لازم می‌کند.

۲. روش تحقیق

این پژوهش را روش تحقیق تفسیری تاریخی شکل می‌دهد. این تحقیق را این گونه می‌توان تعریف کرد: کاوش پدیده‌های اجتماعی-کالبدی در درون سیاق‌های پیچیده، با عنایت به توضیح آن پدیده‌ها به صورتی روایی. این تحقیق با شناسایی داده‌ها و قرائن شروع می‌شود و با سامان‌دهی و سپس ارزیابی و تحلیل ادامه می‌یابد و در نهایت به تفسیر ختم می‌شود.



ژان پیر پرتزن^۱ در مجله «جامعه مورخان معماری»^۲ شگردهایی را برای دست‌یابی، انطباق و راستی‌آزمایی اطلاعات در روش تحقیق تفسیری-تاریخی ارائه کرده‌است: ۱- آشنایی میدانی و شناخت پیشینی؛ ۲- استفاده از اسناد تاریخی و متون باقی‌مانده؛ ۳- معاینه و بررسی اطلاعات در محل؛ ۴- قرائن مادی و بررسی آثار باقی‌مانده؛ ۵- مطالعه تطبیقی؛ ۶- استفاده از منابع خبری محلی و فرهنگ بومی (تاریخ شفاهی)؛ ۷- اجرای مجدد، استشهاده (آزمودن آموخته‌ها در محل)؛ ۸- تعیین پرسش‌های باقی‌مانده.

یکی از عناصر هر روایت پرمایه تاریخی بیان این است که باوجود قرائن موجود، چه چیزهایی را نمی‌دانیم (قیومی، ۲۰۰۴، صص ۹۰-۹۶). مسیر کلی مذکور برای هر نمونه‌ای باید متناسب با مستندات، امکانات و وضعیت موضوع پژوهش به‌روزرسانی شود.

ابزار مورد استفاده در این مقاله دو نوع مستند است:

یکی از مهم‌ترین مستنداتی که می‌تواند در این بازخوانی نقش مهمی ایفا کند، عکس‌های هوایی قدیمی^۳ به‌ویژه عکس‌های سال ۱۳۳۴ و ۱۳۳۵ است. این عکس‌ها به قبل از تحولات عمده در ساختار جمعیتی و کالبدی شهرها مربوطاند و به‌غیر از چند خیابان‌کشی در بافت تاریخی شهرهای بزرگ و احداث بناهای مدنی در پیرامون بافت، وضع اصیل شهرها حفظ شده‌است. البته همین تغییرات جزئی هم در شهرهای کوچک‌تر دیرتر از شهرهای بزرگ‌تر رخ داده‌است و بر همین اساس عکس‌های سال ۳۵ از شهرهای کوچک‌تر وضعیتی دست‌نخورده‌تر و اصیل‌تر را ارائه می‌دهند.

در فرایند تفسیر عکس‌های هوایی، مفسر معمولاً هفت کار را انجام می‌دهد: ۱- آشکارسازی پدیده‌هایی که به‌طور مستقیم مرئی هستند؛ ۲- شناسایی و تشخیص: در این عملیات مهم، پدیده‌های مختلف، به نام مشخص می‌شوند و مفسر در آن از هشت عامل رنگ، تن، بافت، الگو یا نقش، مکان و موقعیت جغرافیایی، شکل، سایه، و اندازه بهره می‌برد؛ ۳- تحلیل؛ ۴- قیاس؛ ۵- طبقه‌بندی؛ ۶- ایده‌آل‌سازی؛ ۷- تعیین صحت (رضوانی، ۱۳۸۹، ص ۴).

تاریخ شفاهی و اقوال ساکنان این شهرها در توصیف وضع اصیل آن، نشان از ساختاری شکل‌یافته در هم‌آهنگی با محیط و براساس فهم بستر و اقلیم دارد. دقت زیاد، جزئیات فراوان، شناخت دانه‌به‌دانه اجزاء بافت تاریخی و تطابق با مستندات تصویری موجود و تعلق خاطر راویان، باعث می‌شود تا رجوع به مستندات شفاهی تنها راه بازشناسی بهترین مستند تصویری باقی‌مانده از وضع اصیل شهر عکس هوایی سال ۳۵- باشد.

برقراری پیوند بین مستندات شفاهی و اقوال ساکنان وضع اصیل بافت با مستندات تصویری عکس هوایی، امکان بازخوانی و بازترسیم وضع اصیل شهرهای تاریخی فراموش‌شده را فراهم می‌کند. این اقدام نیازمند فرایندی رفت‌و برگشتی بین دو گونه مستند است.

1. Jean-Pierre Protzen

2. Journal of the society of architectural historians

۳. سری اول عکس‌برداری پوششی ایران را سال ۱۳۳۴ و ۱۳۳۵ شرکتی آمریکایی در مقیاس ۱:۵۰۰۰۰ انجام داد. سری دوم را از سال ۴۲ تا ۴۸ سازمان نقشه‌برداری کشور با مقیاس ۱:۲۰۰۰۰ انجام داد. دهه چهل را می‌توان دهه شکوفایی درجهت اطلاعات مکانی ایران نامید که با انقلاب سفید در سال ۱۳۴۱ و واگذاری زمین‌های کشاورزی به کشاورزان همراه بود و به‌همین دلیل در سطح کشور عکس‌برداری انجام شد. در سال ۱۳۷۲ پروژه عکس‌برداری پوششی از کل کشور با هدف به‌روزرسانی نقشه‌های کشوری شروع شد و تا سال ۱۳۸۴ ادامه داشت (قریبانی، ۲۰۲۲).



۳. یافته‌ها

نمونه موردی پژوهش حاضر شهر رامهرمز در شرق استان خوزستان در فاصله ۹۰ کیلومتری اهواز است. موقعیت جغرافیایی خاص این شهر در کوهپایه‌های جنوبی رشته‌کوه زاگرس در حوزه آب‌رفتی رودخانه اعلی، آب شربی مناسب و خاکی حاصلخیز فراهم کرده است و به همین دلیل این شهر دارای سابقه سکونت کهن است. در حال حاضر کشاورزی از مهم‌ترین مشاغل شهر محسوب می‌شود و همین موضوع هیئت کلی پیرامون شهر را نسبت به وضع اصیل آن دستخوش تغییر کرده است.



تصویر ۱.۱

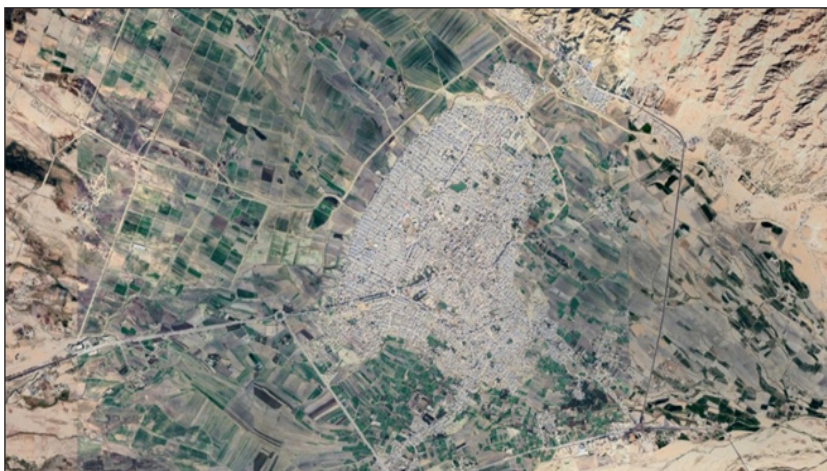
در سه مقیاس، موقعیت شهر در استان، ارتباط شهر با محیط طبیعی پیرامونش، و محدوده کالبدی و کشاورزی پیرامون شهر مشخص شده است.



تصویر ۱.۲

در سه مقیاس، موقعیت شهر در استان، ارتباط شهر با محیط طبیعی پیرامونش، و محدوده کالبدی و کشاورزی پیرامون شهر مشخص شده است.





تصویر ۱.۳

در سه مقیاس، موقعیت شهر در استان، ارتباط شهر با محیط طبیعی پیرامونش، و محدوده کالبدی و کشاورزی پیرامون شهر مشخص شده است.

رام هرمز و بستر کشاورزی پیرامون آن با رنگ قرمز و اهواز با رنگ زرد و در پائین تصویر خلیج فارس؛
امتداد رشته کوه زاگرس با راستای شمال غربی جنوب شرقی، عبور رودخانه اعلی و بستر آبرفتی حاصل از آن، پهنه سبز پیرامون شهر؛
بافت شهر و محیط سبز پیرامون آن.

۴. سابقه تاریخی رام هرمز

براساس کاوش های باستان شناسی در دهه چهل تا پنجاه هجری شمسی در تُل بُرمی رام هرمز که سبب کشف ساختمانی با آجرهایی به ابعاد ۴۰ در ۴۰ سانتی متر شد، تمدن شهرنشینی در رام هرمز به هزاره سوم قبل از میلاد «دوره عیلامی میانه» می رسد. در کاوش های باستان شناسی بعدی که دونالد مک کاون از مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو در سال ۱۹۴۸ و عباس علی زاده در سال ۲۰۰۶ میلادی (Whitcomb, 1971, p22; Alizadeh, 2014, pp 53-) در تُل گسر (در ۲۰ کیلومتری شمال غرب رام هرمز) انجام دادند، الواح و سفال های دوران آغازین عیلامی ظاهر شد (واندنبرگ، ۱۳۷۹). در اواسط سال ۱۹۶۰ به دنبال تسطیح بخش هایی از تُل بُرمی -یکی از مهم ترین محوطه های عیلامی دشت رام هرمز علی اکبر سرفراز از مؤسسه باستان شناسی ترانسه ای آزمایشی در این محوطه ایجاد کرد (مهران پور و دیناروند، ۱۳۹۰). با جدیدترین کاوش های باستان شناسی در تُل جوبجی (در ۷ کیلومتری جنوب شرق رام هرمز) و کشف دو تابوت عیلامی، پنج حلقه قدرت و دیگر کشفیات

۱. تل در زبان محلی به معنی تپه است. این تپه در خارج از شهر، در سمت جنوب در روستایی به همین نام قرار دارد. تل برمی در سال ۱۳۴۷ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید.



باستان‌شناسی و با ترجمه خطوط میخی عیلامی حلقه‌های پیداشده، معلوم شد که شهر رام‌هرمز حاکم‌نشین عیلامی شهرهای هم‌جوار خود بوده‌است (رام‌هرمز‌شناسی و مطالعات تاریخی خوزستان، ۱۳۹۸)؛ (Miller & Abdi, 2003, pp 65-82).

علاوه‌بر کاوش‌های باستان‌شناسی، در اسناد تاریخی نیز می‌توان شواهدی از حیات رام‌هرمز یافت. یاقوت حموی (۵۷۴-۶۲۶ق) می‌گوید که رام‌هرمز متشکل از دو کلمه رام (به پارسی یعنی مقصود) و هرمز (نام یکی از خسروان ساسانی) است. «رام‌هرمز از شهرهای خوزستان است که هم خرما و هم گردو و ترنج دارد و چنین میوه‌های سردسیر و گرمسیر در یک‌جا جمع نمی‌شود و دیگر شهرهای خوزستان چنین ویژگی‌ای ندارند» (حموی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۹۵). ابن‌بلخی مورخ نیمه اول قرن ۶ ق مؤلف فارس‌نامه، ضمن شرح حال هرمز ساسانی، می‌نویسد: «اندر آن مدت که زیست، بسیار آثار خوب پدید آورد و از جمله آثار او رام‌هرمز خوزستان است» (ابن‌بلخی، ۱۳۸۵، صص ۶۳-۶۴). محمدتقی بهار، مصحح تاریخ سیستان (تألیف در حدود قرن ۵ تا ۸) می‌گوید: «موسی اشعری گندی‌شاپور، شوش، رام‌هرمز، شوشتر، سپاهان، قم، کاشان [را]، چه به نامه و صلح و [چه] به حرب بگشاد» (تاریخ سیستان، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۷۵). مؤلف کتاب مجمل‌التواریخ و القصص (درباره تاریخ جهان از زمان خلقت تا ۵۲۰ق) ضمن شرح پادشاهی هرمزد بن نرسی، می‌نویسد: «از عمارات روستایی به ناحیت رام‌هرمزد آباد کرد و آن را بهشت هرمزد نام نهاد و آن ناحیت میان ایذج است و رام‌هرمزد، و هنوز آباد است» (بهار، ۱۳۸۴، ص ۵۴). «رام‌هرمز قصبه‌ای است بزرگ دارای بازارهای آباد و پربرکت، [مسجد] جامعی نیز روشن و بسیار زیبا دارد. عضدالدوله برایش بازاری ساخته که من به از آن ندیده‌ام، پاکیزه [و] ظریف، آینه‌کاری، سنگ‌فرش و نقاشی شده‌است. دروازه‌ها دارد و در بازار بزازان قیسریه‌هایی^۱ زیبا هست. مردم از جوی‌ها و چاه‌ها می‌آشامند. جوی‌ها به‌نوبت [از نهرهای بیرون شهر] پر می‌شوند. نخلستان‌ها و باغ‌ها، شهر را فرا گرفته‌است؛ مانند بصره کتاب‌خانه‌ای دارد که کارمندانش در خدمت واردان، کتاب‌خوانان و کتاب‌نویسان هستند. نمازگاه عید در کنار شهر در میان خانه‌ها افتاده‌است. شهری زیبا است؛ ولی مردم در شب‌های تابستان از بسیاری پشه به کله [پشه‌بند] نیاز دارند» (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۶۱۷). رام‌هرمز در سده ۴ق به سبب کرم ابریشمی که در آن به‌عمل می‌آمد و به دیگر نقاط صادر می‌شد، شهرتی جهانی داشت. «به رام‌هرمز جامه‌های ابریشم خیزد» (اصطخری، ۱۳۹۷، ص ۹۲؛ میرسالاری، ۱۳۹۰).

۱. قیسریه (قیصریه): بازار بزرگ؛ راسته‌بازار





تصویر ۲

نقشه‌ای از خلیج فارس از کلودیوس تولومائوس (Claudius Ptolomaeus) در ۱۴۷۸ میلادی. خلیج الفارسی و بلاد خوزستان و هم‌چنین نام شهر رام‌هرمز در سمت چپ پائین تصویر مشخص است (Harding, ۲۰۲۲).



تصویر ۳

نقشه ترسیم‌شده توسط اصطخری در قرن ۴ ق. رام‌هرمز در سمت چپ پائین تصویر مشخص است (اصطخری، ۱۳۹۷، ص ۸۹).

لازم به ذکر است که در نقشه ادریسی (متوفی در سال ۵۶۰ ق) ترسیماتی مشابه ترسیم تصویر ۲ وجود دارد.



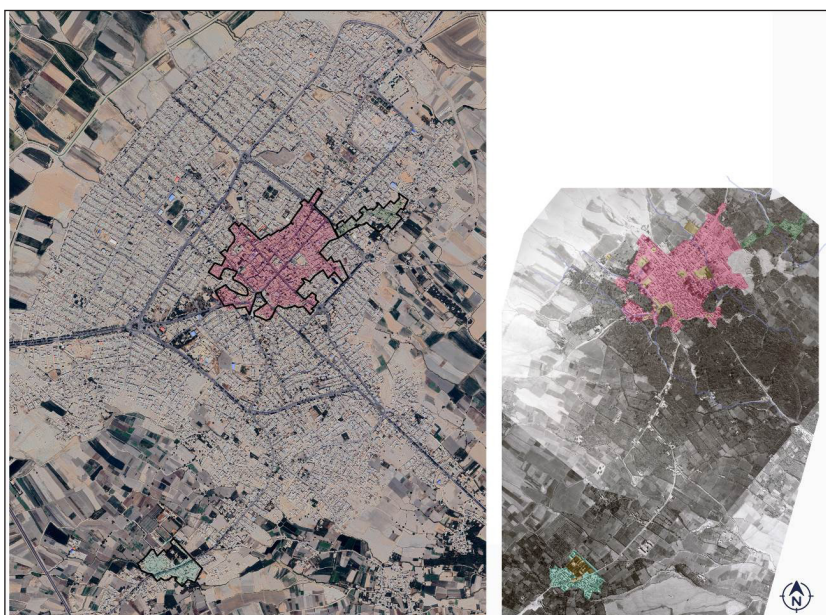
تصویر ۴

ترسیمات اداری که توسط میلر یکپارچه شده‌است.

۵. وضعیت کالبدی شهر

ارائه مختصری از اهمیت تاریخی شهر رامهرمز بر لزوم مطالعه ساختار تاریخی شهر تأکید دارد. سابقه طولانی سکونت، موقعیت مهم و نقش ارتباط‌دهنده شهرهای اطراف و مهم‌تر از این‌ها خاک حاصلخیز، رامهرمز را در قرون اخیر به سکونت‌گاهی باکیفیت برای زیست تبدیل کرده‌است. توصیفی که به‌طور کلی از آخرین وضع اصیل شهر براساس اقوال شفاهی و مشاهده عکس هوایی تاریخی می‌توان ارائه داد شهری دارای هسته کالبدی منسجم است که در لبه‌ها با باغ‌های پیرامونی پیوند خورده و همین پیوند عناصر کالبدی با عناصر طبیعی، مرزی غیرهندسی و دارای اعوجاج‌های فراوان را بین بناها و باغ‌ها به‌وجود آورده‌است؛ به‌نحوی که محدوده شهر رانه بارو و خندق، بلکه مرز بنا و باغ تعیین می‌کند. منبع تأمین آب شهر رودخانه اعلا در سمت شرق و جوی‌های منشعب‌شده از آن به‌سمت شهر است. رودخانه اعلاء شعبه شرقی رودخانه رامهرمز است که از کوه‌های منگشت در شمال شرقی سرچشمه می‌گیرد و سپس به رودمارون و در نهایت به خلیج فارس می‌ریزد (شیشه‌گر و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۳۱)؛ (رجوع به تصویر ۱). نکته مهمی که در تصویر ۶ نشان داده شده‌است، اهمیت و اولویت باغ‌ها در بهره‌بری از آب است؛ اول باغ‌ها، بعد شهر و پس از آن مزارع از آب بهره می‌برند. فضای بعد از مزارع در سمت غرب عمدتاً برکه‌ها و آب‌گیرهایی است که در ادامه مسیر جوی‌ها ایجاد شده‌اند.

افزایش جمعیت شهر در دهه ۶۰ که عمدتاً حاصل کوچ روستائینان از دهه ۵۰ به‌بعد به شهر بود، نه‌تنها ساختار این شهر اصیل را در کل و جزء به تغییر اساسی دچار کرد و به‌بیان بهتر از بین برد بلکه با توسعه به همه جهات پیرامون خود، پیوندهای تاریخی طبیعی شهر را گسست و همه باغات و مزارع پیرامون شهر را به محلات مسکونی تبدیل کرد. در این تحولات، محلات اقماری (شرح آن‌ها در ادامه مقاله خواهد آمد) و روستاهای نزدیک شهر به شهر پیوستند و هویت مستقل خود را از دست دادند.



تصویر ۵

تطبیق عکس هوایی ۱۳۳۵ و وضع موجود

آنچه از تصویر وضع موجود شهر مشخص است اینکه تقریباً همه باغات پیرامون شهر در توسعه کالبدی از بین رفته‌اند. لازم به ذکر است که دو تصویر هم‌مقیاس‌اند.

۶. بحث و تحلیل

۶.۱. تطابق عکس هوایی ۱۳۳۵ و اقوال شفاهی

عکاسی‌های هوایی با نمایش وضع اصیل شهرها، تخریب حاصل از گذر زمان و مدرن‌شدن شهرها را نمایش می‌دهند و بین بینندگان با رویدادهایی که عکس‌ها شاهد آن هستند ارتباط ایجاد می‌کنند (DERIU, 2004, p54; Roth et al, 1997, pp 29-31). اقوال شفاهی درباره بافت تاریخی شهر رام‌هرمز مبتنی بر ابنیه و باغاتی است که تقریباً همه آن‌ها دیگر وجود کالبدی ندارند؛ بنابراین گویی با دو شهر مواجه هستیم: یکی شهر موجود و دیگری «شهری که بود» (همان‌طور که در تصویر ۵ مشخص است). از «شهری که بود» به جز همین اقوال شفاهی، مستندات بسیار محدودی از جمله عکس ۳۵ و چند عکس شخصی که عموماً در جلوی تصویر فردی حالت «آماده به عکس» به خود گرفته است و در پس‌زمینه بخشی از شهر اصیل مشخص است در دسترس است. البته در عکس ۳۵ تقریباً همه آن بناها و باغات قابل مشاهده‌اند.

در اینجا لازم است تا بخشی از مسیر بازخوانی وضع اصیل شهر براساس تطبیق عکس ۳۵ و اقوال شفاهی شرح داده شود. در اقوال شفاهی افرادی که در سکونت

در وضع اصیل شهر سابقه داشته‌اند متولدین دهه ۲۰ و ۳۰ و حتی ۴۰ از بناها و باغ‌هایی اسم برده می‌شود که امروزه کاملاً از بین رفته‌اند؛ ولی نقش مهمی در ساختار اصیل شهر ایفا می‌کرده‌اند و بازشناسی آن‌ها برای فهم ساختار اصیل شهر لازم است. از جمله آن‌ها عبارت‌اند از: طاق نصرت ساسانی شهر؛ دو راسته‌بازار سرپوشیده و تیمچه در محل تقاطع آن‌ها؛ سرای سرباز؛ حمام‌ها؛ آسیاب‌ها؛ باغ‌های متعدد میوه انار، زردآلو، انگور، مرکبات، سیب ترش و توت به‌عنوان عمده‌ترین محصولات - در پیرامون و پیوسته به شهر مثل باغ انار و زردآلوی علم‌دار؛ و یکی از اجزاء پرکاربرد و پرتکرار در خانه‌های شهر در اقوال شاهی با عنوان شوادان. علاوه بر اجزاء اصلی زیرساختی شهر، در بازترسیم مرز محلات شناخت دانه‌به‌دانه خانه‌ها با رجوع به ساکنان قدیمی هر محله امکان‌پذیر است.

اطلاعات پراکنده و بعضاً متناقض شفاهی در اقوال مختلف، برای انطباق با عکس ۳۵ به طی فرایندی نیازمند بود. مسیر دستیابی به نتیجه با در نظر گرفتن شگردهای پرتزن - مطرح‌شده در بخش روش تحقیق طبق گام‌های زیر طی شد:

- گردهم‌آوردن تعدادی از اشخاصی که در وضع اصیل شهر زیسته بودند؛
- نمایش عکس هوایی سال ۳۵ بر روی صفحه‌نمایش بزرگ و خوانا؛
- انتخاب معیار کالبدی به‌عنوان نقطه مبنا: به دلیل این که هیچ‌کدام از خیابان‌ها و میدان‌های امروز شهر نشانه‌هایی که برای خوانش شهر استفاده می‌شوند - در وضع اصیل وجود نداشته‌اند، ابتدا باید نشانه‌ای شاخص، به‌عنوان معیار انتخاب می‌شد. شاخص‌ترین عنصر کالبدی در عکس هوایی ۳۵، راسته‌بازار شهر بود؛
- تطابق خیابان‌های امروز با گذرهای اصیل و میدان‌های امروز با واشدگاه‌ها؛
- شناسایی بناها و باغ‌های شاخص دیگر به کمک نقطه مبنا و نشانه‌های کالبدی و پوشش گیاهی؛

- شناسایی خانه‌هایی که هرکدام از اشخاص حاضر در آن زندگی کرده‌اند؛
- شناسایی پلاک‌به‌پلاک: یکی از خصیصه‌های زندگی در شهرهای کوچک اصیل در گذشته، گستره معنای همسایگی به وسعت خانه‌های شهر بود. در شهر کوچک همه، یکدیگر را می‌شناسند. بازبودن در خانه‌ها در طول روز یکی از بارزترین علامات این آشنایی است. در این خوانش براساس اصل مذکور اکثر پلاک‌ها شناسایی شدند؛
- احیاء و استخراج تاریخ شفاهی فراموش‌شده: در روند بازخوانی و پس از تسلط حاضران به عکس هوایی ۳۵، این مدرک تصویری بستری برای بازفراخوانی نحوه زیست و خاطرات جمعی و فردی حاصل از آن شد.

حال که حاضران با مقیاس عکس هوایی و نشانه‌های آن آشنا شده بودند -دیوار و بلندای آن براساس سایه، گذر، انواع طاق، درخت، آب، زمین کشاورزی، حیاط خانه‌ها- امکان سفر مجازی به شهر فراهم شد و خاطرات فراموش شده به کمک پلان محل شکل‌گیری‌شان به یاد آورده شدند.

۶.۲. محلات شهر

محله به عنوان اصلی‌ترین مفهوم شکل‌دهنده به بافت، تقسیمات کالبدی و اجتماعی شهر را ایجاد می‌کند (مشهور، ۱۳۹۸، ص ۲). دربارهٔ بازشناسی و بازترسیم محلات شهر نکتهٔ مهم حاصل شده در مسیر پژوهش وجود **مرز دقیق محلات** است. برخلاف تصور رایج که حاصل شناخت ناقص ما از وضع اصیل محله است مرز بین محلات در شهرهای تاریخی به دقت پلاک مشخص است. در مصاحبه با مطلعان از وضع اصیل شهر و براساس تجربهٔ زیستهٔ آن‌ها محلات قدیم شهر بازشناسی و بر روی عکس هوایی بازنمایی شدند. معیار شناخت محدودهٔ محله، اسم اشخاص ساکن در محله و پیدا کردن خانهٔ آن‌ها در عکس هوایی بود.

مشابه همهٔ شهرهای تاریخی، رامهرمز نیز محلاتی کاملاً متمایز از هم داشته‌است. عمده دلیل استقلال هویتی محلات، قومیت بوده‌است؛ ولی در کنار این دلیل اصلی، عناصر مذهبی و اقتصادی نیز در هویت بخشی به بافت پیرامون خود و ایجاد استقلال هویتی در قالب محله مؤثر بوده‌اند. در این شهر علاوه بر عوارض بکر طبیعی و عناصر انسان ساخت که در شکل دهی به هویت محلات مؤثرند، پیوندهای ساختار ساز با عناصر طبیعی نیز در ایجاد محلات با هویت مستقل نقش دارد. این مداخلات انسانی به زیرساخت‌های زیستی تبدیل می‌شوند که از جملهٔ آن‌ها به جوی‌های انتقال آب از رودخانه به شهر، آسیاب‌ها و باغ‌هایی که امکان پرورش همهٔ انواع میوه را دارند می‌توان اشاره کرد.

براساس اقوال شفاهی^۱ (مصاحبه با محمد اسماعیل مؤذن، ۱۴۰۲) و کتاب *رامهرمز/ان* (معمدی، ۱۴۰۲، صص ۱۵۷-۱۷۴) محلات قدیم رامهرمز از این قرارند: علم‌دار یا بهبهانی‌ها؛ هفت‌تن؛ شاه‌پور یا شوشتری‌ها؛ فرهنگ یا دزفولی‌ها؛ بازار؛ رامهرمزی‌ها؛ تل ناردنگی^۲؛ گچ‌کوها. محلات هشت گانه ذکر شده هسته مرکزی منسجم شهر را تشکیل می‌دادند و علاوه بر آن‌ها رامهرمز دارای دو محله خارج از محدودهٔ هسته مرکزی و محاط در باغات بود: محلهٔ جوی آسیاب در شمال و محلهٔ کیمه در جنوب. در حال حاضر و به دلیل گسترش شهر این دو محله با محلات پیش گفته یکپارچه شده‌اند. وجه تسمیهٔ محلات: محلهٔ هفت‌تن و محلهٔ علم‌دار براساس اسم دو امام‌زاده به همین

۱. نگارنده از سال ۱۳۹۸ در مصاحبه‌های پراکنده و بررسی اقوال آشنایان با وضعیت اصیل شهر رامهرمز به تعیین و تدقیق حدود محلات شهر می‌پرداختم؛ ولی بررسی هدفمند در سال ۱۴۰۲ و در سلسله مصاحبه‌ای با فرهنگی بازنشسته محمد اسماعیل مؤذن انجام شد.

۲. (Tol, Nardongi) (Tol): تل؛ تپه، پلندی. (Nardongi) ناردنگ: ناردانه، دانهٔ انار. رامهرمز در گذشته، فراوان باغ انار داشته‌است که به یکی از محصولات ثانویهٔ آن ناردنگ گفته می‌شد که حاصل خشک کردن دانهٔ انار در آفتاب بود. از این محصول در طبخ غذاهای متعدد استفاده می‌شد.



نام، محله بازار به دلیل قرارگیری مهم ترین بازار سرپوشیده شهر، محله تُل ناردنگی اسم مکانی با کاربری خاص (تپه ای برای خشک کردن محصولات باغی، خصوصاً انار) و محله جوی آسیاب براساس آسیاب های متعدد موجود در محله، نام گذاری شده اند.

• محله بهبهانی ها یا علم دار:

هسته اولیه این محله بقعه علم دار امامزاده سید میر صالح است. هرچند دخل و تصرفات فراوانی در این بقعه انجام شده، ولی گنبد اورچین^۱ سلجوقی بنا حفظ شده و به شماره ۴۲۲۷ در سال ۱۳۸۰ ثبت ملی شده است (دانش نامه تاریخ معماری و شهرسازی ایران، مدخل ۱۹۴۷۶، ۱۴۰۳). گنبد رفیع این بقعه با پوشش گچ نیم پخته، در وضع اصیل یکی از نشانه های مهم شهر از فاصله دور بوده است. در جلوی این امامزاده فضای بازی قرار دارد که دارای حوض بوده و پنج شنبه بازاری در آن دایر می شده است (معمدی، ۱۴۰۲، ص ۱۶۱). یکی از ویژگی های مجموعه علم دار، باغ انار و زردآلو در ضلع شمالی بقعه بود. این باغ برخلاف دیگر باغ های شهر که در حاشیه شکل گرفته بودند، درون بافت شهر و در محاصره بناهای محله بهبهانی ها قرار داشت. بقعه بی بی زینب خاتون^۲ از دیگر بناهای مهم این محله بود.

• محله هفت تن (هفت تنون) یا محله باغ موئی:

هسته اولیه این محله نیز امامزاده هفت تن است. بقعه امامزاده هفت تن مربوط به دوره سلجوقیان است که در تاریخ ۱۳۸۲ با شماره ثبت ۹۹۵۴ به عنوان یکی از آثار ملی ایران ثبت شده است (دانش نامه تاریخ معماری و شهرسازی ایران، مدخل ۲۵۲۰۳، ۱۴۰۳). در این بنا نیز مداخلات زیادی در دوره های بعد انجام شده است. دلیل اطلاق نام باغ موئی، وجود باغ انگوری معروف در مجاورت محله است.

• محله شاه پور یا محله شوشتری ها:

این محله دارای خیابانی اصیل و تاریخی پیش از خیابان کشی های مخرب معاصر - بانام شاه پور است. در این خیابان گاراژ منشی (اولین ترمینال اتوبوس رانی شهر) با حجره هایی پیرامون حیاط مرکزی، عمارت بزرگ توکل، کارگاه های رنگ رزی و خراطی و ساباطی بزرگ قرار داشته است (معمدی، ۱۴۰۲، ص ۱۷۲).

• محله فرهنگ یا محله دزفولی ها:

عمده ساکنان این محله مهاجران دزفولی بودند. از بناهای مهم این محله می توان مرکز گلاب گیری و عرقیات خاندان گلابی، اولین ساختمان بهداری رامهرمز و اولین دبیرستان دخترانه در دوره پهلوی و مدرسه تاریخی رشدیه را نام برد (معمدی، ۱۴۰۲، ص ۱۷۴).

۱. اورچین: اورب چین؛ پله پله. گنبد اورچین: گنبد پلکانی.

۲. بی بی زینب خاتون، از سادات طباطبایی در ایران بوده است که نسبش از طریق حسن مثنی به امام حسن مجتبی (ع) می رسد. او بعد از مرگ پدرش در یمن با برادران و برادرزادگان به خوزستان راهی می شود و در رامهرمز ساکن می شود و ریاست علمی، معنوی و قضایی شهر را به دست می گیرد. پدر سیده زینب ابوالحسن احمدالنصر از ائمه و مفسران زیدیه بود و مادرش نیز از نوادگان امام حسن (ع) بود. او احتمالاً بین سال های ۳۷۰ تا ۴۵۰ ق از دنیا رفته است و در رامهرمز مدفون شده است (ابوسعیده، ۱۳۸۵).

• محله بازار:

بازار اصلی شهر در این محله قرار دارد که شامل یک راسته بازار با کشیدگی شرقی-غربی، یک راسته بازار با کشیدگی شمال شرقی-جنوب غربی و یک تیمچه در محل اتصال این دو راسته باهم و هم‌چنین سرایی سرباز در انتهای شمال شرقی راسته دوم است.

• محله رامهرمزی‌ها: عمده ساکنان این محله رامهرمزی‌های اصیل بودند.

• محله تل‌ناردنگی: در ضلع جنوبی شهر و بین باغ حسین آباد و باغ حمام قرار داشت. این محله دارای تپه مرتفعی بوده که برای گستراندن ناردانه‌های انارستان‌های اطراف محله استفاده می‌شده است (معمدی، ۱۴۰۲، ص ۱۶۴). مکان این تپه در توسعه شهر در اوایل قرن ۱۳ مسکونی شده است؛ بنابراین ساختمان‌های مکان این تپه از دیگر محلات شهر جدیدتر است.

• محله گچ‌کوها:

شغل اکثر ساکنان این محله گچ‌کوبی بود. یکی از صادرات قدیمی رامهرمز به شهرهای اطراف گچ بنایی بود. در کوه‌های شمال شهر معادن غنی و گسترده سنگ گچ وجود داشته است که هنوز هم شرکت گچ خوزستان در آن فعال است. استخراج سنگ گچ از معدن، انتقال آن به شهر، پختن گچ در کوره‌های سنتی و نیم‌کوب کردن آن فرایندی بود که حرفه‌ای باتشخص را ایجاد می‌کرد که دارای رئیس صنف و سازوکار تولیدی و تجاری مفصل بود.

• محله جوی آسیاب:

هسته اصلی شکل‌دهنده به این محله، جوی آب معروفی بود که برای آبیاری باغات و مزارع و بهره‌برداری صنعتی چرخش آسیاب استفاده می‌شد. چهار واحد آسیاب آبی با نام‌های ملابندر، خواجه الهیار کلانتر هرمزی، کربلائی سلمان، و برجی در این محل فعال بودند که در نام‌گذاری این محله مؤثر بوده‌اند (معمدی، ۱۴۰۲، ص ۱۵۷). این محله در شمال شهر گسترش یافته بود و بافت متراکم معماری نداشت و با ترکیب باغ‌ها و خانه‌ها شکل یافته بود.

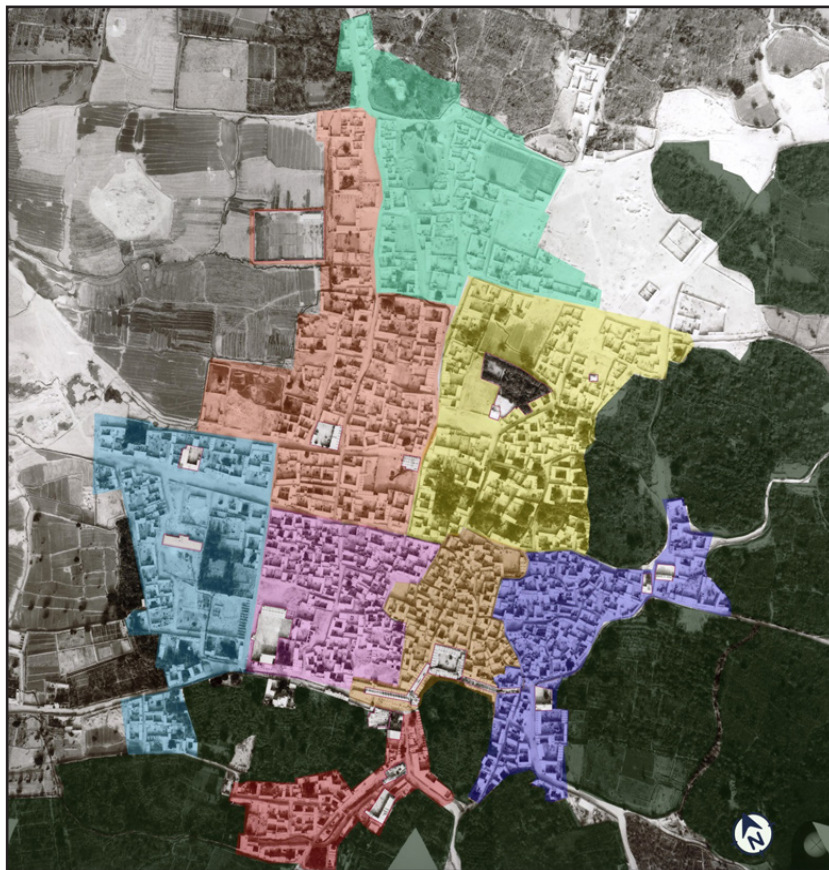
• محله کیمه یا محله بیلاقی‌ها:

عمده مهاجران چهارمحالی در این محله ساکن بودند. مهم‌ترین اثر تاریخی باقی‌مانده شهر رامهرمز -باغ و عمارت صمیمی- در این محله قرار دارد. این محله دارای راسته‌بازاری مستقل در جلوی عمارت صمیمی بود که با احداث خیابان کیمه تخریب شد.

اقوام ساکن در شهر علاوه بر رامهرمزی‌ها، بهبهانی‌ها (عموماً ساکن در محله علم‌دار یا بهبهانی‌ها)، شوشتری‌ها (عموماً ساکن در محله شاه‌پور)، دزفولی‌ها (عموماً ساکن در محله



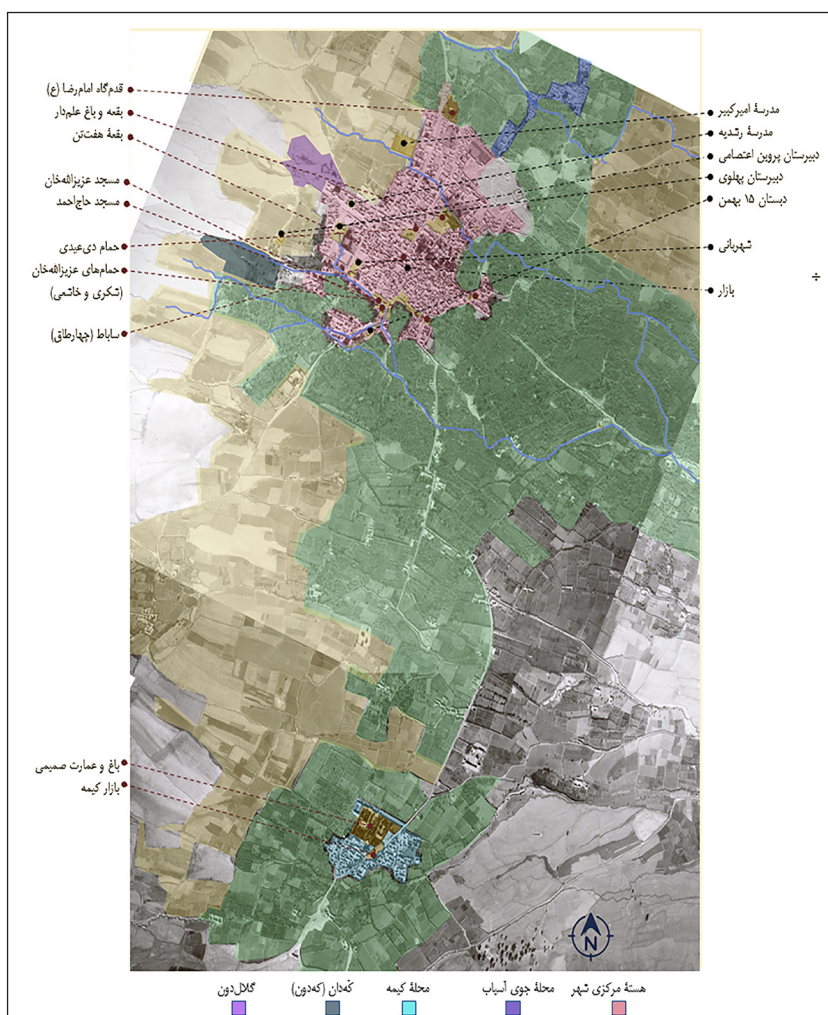
فرهنگ) و چهار محالی‌ها یا بیلاقی‌ها (عموماً ساکن در محله کیمه) هستند. دلیل تنوع سکونت قومیت‌های مختلف از شهرها و استان‌های اطراف در رامهرمز را باید با تشریح موقعیت اقتصادی خاص رامهرمز بررسی کرد. در اواخر دوره قاجار و پهلوی رامهرمز یکی از باراندازهای مهم جنوب کشور محسوب می‌شد. کاروان‌هایی که قصد داشتند از سمت اصفهان و چهارمحال به کشورهای حاشیه خلیج فارس سفر کنند و بالعکس، باید از گمرگ رامهرمز عبور می‌کردند. رامهرمز دارای محل‌هایی برای اخذ عوارض از کاروان‌ها (نواقلی) بوده است که یکی در شمال شهر و یکی در محله کیمه (جنوب شرقی شهر) شناسایی شده‌اند (معمدی، ۱۴۰۲، ص ۱۴۷).



تصویر ۶

محلات هشت گانه هسته مرکزی شهر

محله علم‌دار محله هفت‌تن محله شاه‌پور محله فرهنگ محله بازار محله رامهرمزی محله تل ناردنگی محله گج‌کوها



تصویر ۷

موقعیت کالبد شهر، باغات (حلقه سبز)، مزارع (حلقه زرد) نسبت به هم در وضع اصل. جوی‌های آب (جوی شمالی خَره، جوی عبورکننده از وسط شهر (جوی مالیه) و جوی جنوبی پورشاهی (شش‌لوله)) با رنگ آبی مشخص‌اند. بناهای مهم شهر هم با رنگ قهوه‌ای روشن مشخص‌اند.

۶.۳. زیرساخت‌ها و بناهای مهم شهر

• منبع تأمین آب شهر

بافت تاریخی شهر رامهرمز دارای سه جوی آب مهم با راستای شرقی-غربی بود که از رودخانهٔ اعلا منشعب می‌شدند.

۱. جوی مالیه^۱ از وسط بافت محلات علمدار و شاه‌پور- می‌گذشت.
۲. جوی خَره^۲ از محله جوی آسیاب و باغات و مزارع شمال شهر می‌گذشت.
۳. جوی پورشاهی (شش‌لوله)^۳، قبل از تیمچه مرکز شهر به دو شاخه تقسیم می‌شد؛ یک شاخه از محله تل‌ناردنگی عبور می‌کند و به باغات بعد از این محله وارد می‌شود و



شاخه دیگر به سمت تیمچه ادامه پیدا می کند و در مسیر خود به سمت غرب، آب مورد نیاز حمام های مجموعه عزیزالله خان (خاشعی و شکری) را تأمین می کند و پس از آن به سمت دو دبیرستان شهر (دخترانه پروین اعتصامی (فاطمه زهرا) و پسرانه پهلوی (امام صادق)) به دو انشعاب تقسیم می شد.

• آسیاب

یکی از مهم ترین تأسیسات زیستی دشت رامهرمز آسیاب های آبی هستند. این آسیاب ها عمدتاً در کنار جوی های آب شکل گرفته اند و به همین دلیل نیز دارای جوی آب دست ساز فرعی برای هدایت جریان آب به سمت تنوره (مخزنی بزرگ با ارتفاع حدود ۳ متر برای شدت دادن به جریان آب) هستند. پایین این مخزن سوراخی وجود دارد که لوله چوبی مخروطی شکلی به آن وصل می شود. این لوله قابل تنظیم به جهات مختلف است. آب خروجی از لوله پره های چوبی متصل به یک شفت را می چرخاند. دو سنگ آسیاب افقی، یکی ثابت در زیر و دیگری متحرک روی آن وظیفه آسیاب کردن گندم را برعهده دارند. شفت به سنگ رویی متصل می شود و آن سنگ را می چرخاند (مصاحبه با فریدون سرکه کی درباره آسیاب آبی، ۱۳۹۱). تقریباً همه ساخت و سازهای این مجموعه با سنگ قلو رودخانه ای (قلوه سنگ) و ملات گچ نیم پخته نیم کوب ساخته می شوند.

جوی شش لوله در جنوب و در محل ورود به شهر سه آسیاب را فعال می کرد و جوی خره با گذر از محله جوی آسیاب بیش از ۵ آسیاب را فعال می کرد و به همین دلیل این محله به ناحیه ای صنعتی در جوار شهر شباهت داشت.

۱. احتمالاً منظور از این اسم، جویی است که از املاک عبور می کند.

۲. (Kharre) فرهنگ معین: گلوی چسبند

۳. شهرداری برای سهولت دسترسی به این جوی قدیمی، در ورودی شهر حوضچه ای ساخت که شش لوله از آن منشعب می شد؛ به همین دلیل پس از آن به جوی شش لوله معروف شد.

تصویر ۸

جوی آب شش لوله و آسیاب در وسط تصویر مشخص اند

تصویر ۹

جوی اصلی، مسیر دست ساز آب در کنار جوی اصلی، تنوره با پلان دایره با رنگ تیره و سنگ آسیاب در تصویر مشخص اند



جوی دست ساز - جوی اصلی - تنوره - سنگ آسیاب - محل ذخیره گندم

(۸)

(۹)

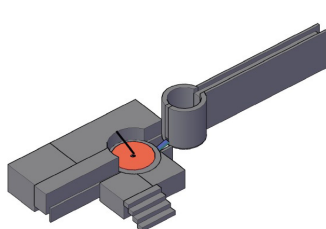


تصویر ۱۰

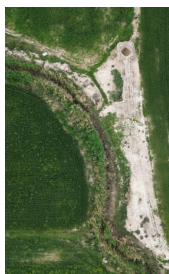
طرح شماتیک آسیاب آبی در روستای دهیور رامهرمز (طراح: مولائی، از روی مصاحبه با فریدون سرکھکی، ۱۳۹۱).

تصویر ۱۱ و ۱۲

باقی مانده‌های تنوره و جوی آب آسیابی روستایی در سال ۱۴۰۳



(۱۰)



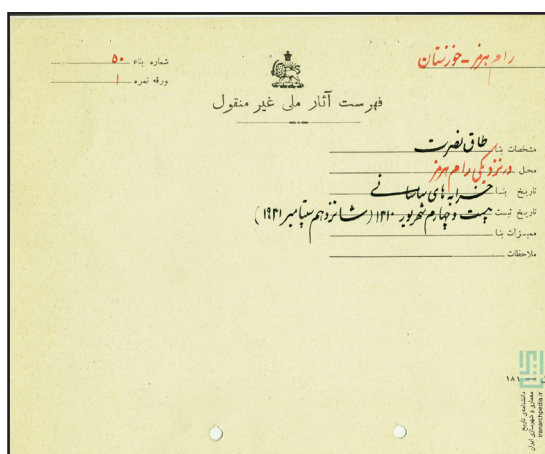
(۱۱)



(۱۲)

• طاق نصرت ساسانی

این اثر در تاریخ ۲۴ شهریور ۱۳۱۰ با شماره ثبت ۵۰ به عنوان یکی از آثار ملی ایران ثبت شد. نام یک طاق نصرت در خرابه‌هایی از عهد ساسانیان در سینه کوهی در خوزستان باقی مانده است (دولت‌شاهی، ۱۳۶۳، ج ۱). این اثر با احداث دانشگاه پیام نور در ضلع شمالی شهر تخریب شد. نکته لازم به ذکر این که در پرونده ثبتی سال ۱۳۱۰ شمسی هیچ آدرس و تصویری از این بنا موجود نیست و در حال حاضر این بنا بعضاً با سباباتی در مرکز شهر در محله فرهنگ - که در سال ۱۳۸۰ به طور کامل تخریب شده است - اشتباه گرفته می‌شود. طاق نصرت مذکور در مدخل شمالی شهر رامهرمز قرار داشته است (افشار، ۱۳۷۳، ص ۴۰۳).



تصویر ۱۳

کارت ثبت اثر طاق نصرت



تصویر ۱۴

ساباط (چهارطاق) تخریب شده در
مرکز شهر



• مسجد و بقاع متبرکه

۱. مسجد عزیزالله خان (آیت الله بهبهانی فعلی) در مرز محله بازار و محله تل ناردنگی. این مسجد را عزیزالله خان نوروزی^۱ خان ایل دینارون و رامهرمز ساخت. این مسجد در سال ۱۳۸۲ با شماره ثبت ۹۱۴۷ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسید؛ ولی چند سال بعد تخریب شد و با مسجدی جدید جایگزین شد (دانش نامه تاریخ معماری و شهرسازی ایران، مدخل ۲۴۳۹۶، ۱۴۰۳). براساس عکس هوایی ۳۵ این بنا دارای شبستان جنوبی و ورودی شمالی بوده است و در دو ضلع دیگر فقط دارای دیوار بوده است. یک درخت نخل هم در ضلع شرقی حیاط این مسجد دیده می شود.

۲. مسجد حاج احمد در مرز محله بازار و محله هفت تن که مشابه مسجد عزیزالله خان با بنایی جدید (مسجد امام خمینی) جایگزین شد. براساس عکس هوایی ۳۵ این بنا دارای شبستان جنوبی، گنبدخانه ای در وسط شبستان و چهار طاق گهواره ای شرقی و چهار طاق گهواره ای غربی، ایوانی جنوبی رو به حیاط مرکزی و درختی تنومند در حیاط بوده و در سه ضلع دیگر فقط دیوار پیرامونی مشخص کننده حیاط بوده است.

۳. مسجد حاج بشیر و بقعه هفت تن در کنار هم در محله هفت تن.

۴. مسجد خضر در محله فرهنگ (مصاحبه با محمد اسماعیل مؤذن، ۱۴۰۲).

۵. مسجد امام حسن (ع) در محله فرهنگ از مسجدهای قدیمی رامهرمز و دارای شوادانی (سردابی) با طول زیاد بوده است که به طور کامل تخریب شده است و در حال حاضر محل شرکت تعاونی فرهنگیان است (افشار، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۴۰۷).

۱. حاکم بختیاری رامهرمز در سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ قمری. از آثار برجای مانده از او می توان به مسجد، مکتب خانه و دو حمام مردانه و زنانه اشاره کرد (عباسیان، ۱۳۸۶)

• حمام

در بخش متراکم بافت شهر چهار حمام وجود داشت؛ دو حمام مردانه و زنانه مجموعه عزیزالله خان نوروزی (حمام شکری و خاشعی، روبه روی راسته بازار) و یک حمام زنانه کوچک در محله تل ناردنگی و یک حمام زنانه دی عیدی^۱ (در محله شاهپور). براساس تصویر ۳۵ هرزاب حمام دی عیدی از طریق جویی در سمت جنوب غربی حمام در چاله ای وسیع ریخته می شده است.



تصویر ۱۵

مساجد با رنگ سبز (مسجد حاج احمد (مسجد امام خمینی) در شرق و مسجد عزیزالله خان در غرب)، حمام ها با رنگ بنفش (حمام دی عیدی در شمال و حمام های مجموعه عزیزالله خان (شکری و خاشعی) در جنوب) و سایات با رنگ قرمز مشخص شده اند. در سمت راست، بناهای مذکور با بزرگنمایی ارائه شده است.

• باغ

۱. باغ حسین آباد یا بانک ملی در جنوب شهر و در کنار تیمچه مرکزی، بین دو محله بازار و تل ناردنگی بود.
۲. باغ حمام در ضلع جنوب شهر بین محله فرهنگ، رامهریزی ها و تل ناردنگی بود.
۳. باغ صمی در ضلع جنوب شهر و محله تل ناردنگی بود.
۴. باغ طهماسبی در ضلع جنوب غرب شهر و محله رامهریزی ها بود.
۵. باغ فرجی در ضلع جنوب شهر و همچنین در ضلع جنوب محله تل ناردنگی و باغ طهماسبی بود.
۶. باغ شاه ناصر در ضلع جنوب شهر و محله بازار بود.
۷. دوباغون؛ در ضلع جنوب شرقی شهر و بعد از محله بازار و هفت تن قرار داشت و مجموعه ای متشکل از کوچه باغی دارای درخت های بزرگ با راستای شمالی جنوبی بوده است.

۱. دی (Dei) یا دا در گویش رامهریزی یعنی مادر. دی عیدی یعنی مادری؛ خطاب قرار دادن بانوان با اسم فرزندان ارشد پسر در فرهنگ های اصیل ایرانی رایج بوده است.

و باغ‌های کوچک از جمله باغ موئی، باغ خادمی زاده و باغ مریدزاده در ضلع غربی کوچه باغ و باغ فتحی و مش‌قربان در ضلع شرقی کوچه باغ بود. وجه تسمیه این باغ به دلیل قرارگیری دو مجموعه باغ پیرامون مسیر بود.

۸. باغ رستگاری در ضلع شرقی شهر و محله هفت تن قرار داشت.

۹. باغ پری در ضلع شرقی شهر و محله علم‌دار قرار داشت.

۱۰. باغ باروت‌کوب در ضلع شمال شرق، بعد از قبرستان شهر بود.

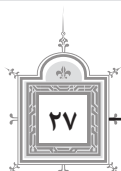
۱۱. باغ قدمگاه امام رضا (ع)، باغی وسیع در ضلع شمالی شهر بود (مصاحبه با محمداسماعیل مؤذن، ۱۴۰۲).

باغ‌های ذکرشده، باغ‌های پیرامون هسته مرکزی هستند و محله جوی آسیاب و کیمه نیز دارای باغ‌هایی بودند. همه باغ‌های نام‌برده، باغ‌های میوه بودند و ساختاری غیرهندسی داشتند و تنها باغ هندسی شهر، باغ و عمارت صمیمی در محله کیمه بود که هنوز هم پابرجاست.



تصویر ۱۶

باغ‌ها براساس شماره‌های متن مشخص
شده‌اند





تصویر ۱۷

محله کیمه؛ باغ و عمارت صمیمی در ضلع شمال محله با پلان ذوزنقه و بازار سرپوشیده با راستای شمال شرقی-جنوب غربی در وسط محله مشخص‌اند.

• مدرسه

اولین ساخت‌وسازهای جدید در بافت قدیمی شهر، مدارس بودند و بر همین اساس تحولات اجتماعی در رام‌هرمز پیش از تحولات کالبدی شهر شروع شد.

۱. دبستان پهلوی (۱۳۰۵) در بنایی با الگوی ساخت حیاط مرکزی و مصالح اصیل؛ ۲. دبستان ۱۵ بهمن (۱۳۱۵) (۲۲ بهمن فعلی) در محله تل ناردنگی؛ ۳. دبستان هاتف کیمه (۱۳۲۲)؛ ۴. دبیرستان پهلوی (۱۳۲۶) با الگوی ساخت برون‌گرا و مصالح جدید؛ ۵. دبستان رشدیه (۱۳۲۸)؛ ۶. دبستان دخترانه آذر میدخت (۱۳۳۶)؛ ۷. دبیرستان دخترانه پروین اعتصامی (برای سیکل اول) (فاطمه زهرا ی فعلی) در محله رام‌هرمزی‌ها؛ ۸. دبستان دخترانه پارسا در محله علم‌دار (۱۳۴۹)؛ ۹. مدرسه راهنمایی دکتر شفا (۱۳۵۰)؛ ۱۰. مدرسه راهنمایی امیرکبیر در محله شاه‌پور (معتمدی، ۱۴۰۲، ص ۵۹).

• بازار

مهم‌ترین بخش بازار تیمچه‌ای با پوشش گنبدی بود که در سال ۱۳۳۹ ش به‌طور کامل تخریب شد (معتمدی، ۱۴۰۲، ص ۱۴۰) و به‌جای آن میدان آزادی فعلی احداث شد. راسته‌ای سرپوشیده با پوشش طاق کُلمبو^۱ در راسته، و طاق و تویزه در حجره‌ها، از تیمچه به‌سمت غرب امتداد می‌یافت و راسته‌ای دیگر با پوشش تخت موقت برای راسته، و طاق و تویزه برای حجره‌های به‌سمت شمال شرقی، تیمچه را به سرای رضاخانی (منسوب به رضاقلی خان

۱. طاق کُلمبو یا کُلمبو از ساختارهای بسیار پرکاربرد طاق در ایران است که به‌دلیل توانایی فراوان در برابر انواع تنش‌ها و فشارهای باربری رواج گسترده‌ای در سازه‌های گوناگون در جغرافیای فرهنگی ایران پیدا کرده‌است. این طاق در نگاهی کلی نیم‌کره‌ای است که به گنبدی کوچک و کم‌خیز می‌ماند و روی زمینه‌ای «چارکوش» می‌نشیند.



بختیاری) متصل می‌کرد (گفت‌وگو با استاد فضل‌الله موحدی، ۱۴۰۲). (سرای رضاخانی دارای حیاط مرکزی و حجره‌هایی با پوشش طاق و تویزه در پیرامون آن بوده‌است).



تصویر ۱۸

دو راسته اصلی بازار در تصویر مشخص هستند. دو راسته دیگر (گسترش از تیمچه به سمت جنوب و از سرای رضاخانی به سمت شرق) الحاقات بعدی هستند و راسته آن‌ها دارای پوشش نیست



تصویر ۱۹

ساباط (چهارطاق) تخریب‌شده در مرکز شهر

• که‌دان (جاخر منی): محلی در حاشیه جنوب غربی شهر برای جداکردن گندم از کاه به کمک باد.

• گلال‌دون: محلی در حاشیه غربی شهر که سرریز جوی‌های آب شهر بود و از گل انباشته‌شده در آن برای عایق‌کاری بام خانه‌ها استفاده می‌شد.

1. GelaIDoon

۷. نتیجه



ماهیت شهرهای تاریخی، هم با میراث فرهنگی کالبدی شامل بناها، اشیاء و آثار طبیعی تعریف می‌شود و هم با میراث فرهنگی فراکالبدی شامل تاریخ شفاهی و فضاهای معنوی. هنوز شهرهایی هستند که عمده یا بعضاً همه میراث کالبدی خود را از دست داده‌اند؛ ولی در نگاه مردم اصیل، آن شهر تاریخی محسوب می‌شود؛ چراکه سابقه زیست در وضع اصیل آن شهر هنوز در ذهن آن مردم زنده است. با تغییر نسل، آن سابقه ذهنی فراموش می‌شود و به دلیل نبود مستندنگاری درخور و ثبت نشدن میراث کالبدی و فراکالبدی، تاریخی بودن آن شهرها صرفاً به منابع مکتوب انگشت شماری محدود می‌شود که فهم درستی از چگونگی زیست در آن اقلیم ارائه نمی‌دهند. بر همین اساس بازخوانی وضع اصیل شهرهای تاریخی و فهم نحوه صحیح زیستن در بستر طبیعی-تاریخی این شهرها در جهت زیستی پایدار از مهم‌ترین وظایف این سال‌های افرادی است که برای حفاظت از میراث فرهنگی ایران دغدغه دارند. بازخوانی وضع اصیل شهر رام‌هرمز تلاشی در این راستا است. در این بازخوانی اقوال شفاهی مربوط به زیستن در وضع اصیل شهر در عکس هوایی تاریخی استقرار یافتند و در انطباق محک خوردند و تصحیح شدند. این خوانش علاوه بر این که وضعیت بسیاری از آثار شناخته شده ولی مفقود را روشن کرد، نحوه قرارگیری شهر در بستر طبیعی خود و تعامل با آن را هم مشخص کرد.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این مقاله ارائه نظام محله‌بندی اصیل شهر است. این نظام محله‌بندی هرچند در وضعیت کالبدی مخدوش امروز شهر معنایی ندارد، ولی در نظام معنایی ساکنان اصیل شهر هنوز پابرجا است و برای معرفی اشخاص، ساکن کدام محله بودن دارای اهمیت است. الگوی مهم در نظام محله‌بندی شهر رام‌هرمز، محلات اقماری است. رام‌هرمز دارای ۸ محله در هسته مرکزی و ۲ محله اقماری با فاصله از شهر است. محله جوی آسیاب در ضلع شمال شهر دارای الگوی پراکنش بناهای کاملاً متفاوت با هسته مرکزی متراکم شهر و خانه‌هایی پراکنده در باغات است. محله کیمه با فاصله حدود ۲ کیلومتری از شهر، بافتی متراکم، باغی دارای پلان هندسی و راسته‌بازاری سرپوشیده دارد. این تنوع ساختار محلات، از تنوع نحوه زیست حکایت دارد.

۸. پیشنهاد مطالعات آینده (بازگشت به وضع اصیل باغ‌شهری)

در سال‌های اخیر ساکنان رام‌هرمز باغ‌هایی را به‌سختی و زحمت ولی بدون پیروی از طرحی ازپیش‌فکر شده در پیرامون شهر ایجاد می‌کنند. توصیه می‌شود در تصمیم‌گیری برای توسعه شهرها، ابتدا وضع اصیل شهر به‌دقت مطالعه شود؛ چراکه الگوهای تجربه‌شده اصیل، راه‌کارهای پایداری برای توسعه در اختیار قرار می‌دهند. محلات اقماری شهر رام‌هرمز، یکی از مهم‌ترین راه‌کارهای توسعه هستند که برای همیشه قابل استفاده‌اند. بهره‌گیری از این ایده و ساخت محلات



اقماری در بخش های کمتر استفاده شده پیرامون شهر، هیئت و هویت هسته مرکزی و حلقه های سبز و زرد پیرامونی و زیرساخت های ایجاد شده در حاشیه شهر را حفظ می کند و محلاتی جدید با هویت مستقل و ساختاری مشابه با هسته مرکزی در مقیاس خردتر ایجاد می کند.

منابع

- ابن بلخی. (۱۳۸۵). *فارس نامه*. (گای لستریج و رینولد نیکلسون، ویراستاران). تهران: اساطیر.
- ابوسعیده، سیدحسین. (۱۳۸۵). *الاساس لانساب الناس*. قم: مؤسسه عاشورا.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم. (۱۳۹۷). *ممالک و مسالک*. تهران: موقوفات دکتر محمود افشار.
- افشار، ایرج. (۱۳۷۳). *خوزستان و تمدن دیرینه آن*. (ج ۱). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۸۴). *مجموعه التواریخ و القصص*. تهران: دنیای کتاب.
- تاریخ سیستان*. (۱۳۶۶). (ج ۱). (محمدتقی بهار و محمد رضانی، مصححان). تهران: پدیده خاور.
- دولت شاهی، عمادالدین. (۱۳۳۳). *جغرافیای غرب ایران یا کوه های ناشناخته اوستا*. (ج ۱).
- حموی، یاقوت ابن عبدالله. (۱۳۸۰). *معجم البلدان*. (ج ۲). (علی نقی منزوی، مترجم). تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور.
- رضوانی، علی اصغر. (۱۳۸۹). *کاربرد عکس های هوایی و ماهواره ای در جغرافیا*. دانشگاه پیام نور.
- عباسیان، فرج الله. (۱۳۸۶). *رام اورمزد «دیار آزادگان» از آغاز تا برافتادن سلسله پادشاهی قاجار پیرامون تاریخ اجتماعی، جغرافیای رامهرمز*.
- معتدی، منصور. (۱۴۰۲). *رامهرمز*. تهران: آواز.
- مقدسی، محمد ابن احمد. (۱۳۶۱). *أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم*. (ج ۱). (علی نقی منزوی، مترجم). تهران: کوش.
- مهران پور، هادی؛ دیناروند، یوسف. (۱۳۹۰). «باستان شناسی خوزستان». چاپ شده در کتاب: *مجموعه مقالات ۸۰ سال باستان شناسی ایران*. (یوسف حسن زاده، سیما میری، کوشش گران). تهران: پازینه.
- واندنبرگ، لویی. (۱۳۷۹). *باستان شناسی ایران باستان*. (عیسی بهنام، مترجم). تهران: دانشگاه تهران. دانلود از سایت آسمان کتاب.

مقاله

- شیشه گر، آرمان؛ قاسمی، محسن؛ ممبئی، نرگس. (۱۳۹۵). «طبقه بندی و مقایسه سفال عیلام نو (مطالعه موردی محوطه باستانی جوبجی-رامهرمز)». *باستان شناسی ایران*، ۶(۲)، ص ۲۹.
- قیومی، مهرداد. (۲۰۰۴). «تحقیق تفسیری تاریخی در معماری». *صفه*، ۱۴(۲).



مشهور، زینب. (۱۳۹۸). «بازشناسی عناصر کالبدی کارکردی مؤثر در شکل‌گیری بافت تاریخی بهبهان (از دوره صفویه تا پهلوی) بر مبنای الگوی شهرهای تاریخی». *معماری‌شناسی*، ۲(۱۲)، صص ۱۳۸-۱۴۸.

مصاحبه

«گفت‌وگو با استاد فضل‌الله موحدی پیشکسوت خیاطی در رامهرمز و شاعر». (۱۴۰۲). [مصاحبه]. (محمدعلی به‌وند یوسفی، مصاحبه‌گر). منبع خبر: هفته‌نامه *رامهرمزنامه*: <https://ramhormoz.namehnews.ir>

namehnews.ir

آدرس کوتاه‌شده صفحه: <https://adr3.ir/Qmy5>

مصاحبه با فریدون سرکهکی درباره آسیاب آبی. (۱۳۹۱). (مولائی، مصاحبه‌گر).

مصاحبه با محمداسماعیل مؤذن. (۱۴۰۲). (سجاد مؤذن، مصاحبه‌گر).

منابع اینترنتی

دانش‌نامه تاریخ معماری و شهرسازی ایران، مدخل ۱۹۴۷۶. (۱۴۰۳).

<https://iranarchpedia.ir/entry/19476>

دانش‌نامه تاریخ معماری و شهرسازی ایران، مدخل ۲۴۳۹۶. (۱۴۰۳).

<https://iranarchpedia.ir/entry/24396>

دانش‌نامه تاریخ معماری و شهرسازی ایران، مدخل ۲۵۲۰۳. (۱۴۰۳).

<https://iranarchpedia.ir/entry/25203>

«رامهرمزشناسی و مطالعات تاریخی خوزستان». (۱۳۹۸).

<http://hossein117.blogfa.com>

قربانی، امید. (۱۷ اکتبر ۲۰۲۲). نقشه هوایی ایران، از اولین (قدیمی‌ترین) تا آخرین (جدیدترین):

سایت مپاسکیل. <https://mapscale.ir> آدرس کوتاه‌شده صفحه: <https://adr3.ir/YWpP>

میرسالاری، آراز. (۱۳۹۰). «شهر باستانی رامهرمز را بشناسیم»:

<http://simaaraz.ParsiBlog.com>

منابع لاتین

Book

Alizadeh, Abbas. (2014). *Ancient Settlement Systems and Cultures in the Ram Hormuz Plain, Southwestern Iran: Excavations at Tall-e Geser and Regional Survey of the Ram Hormuz Area*. The Oriental Institute Publications of The University of Chicago.



- Harding, Sue-Ann. (2022). *An Archival Journey through the Qatar Peninsula: Elusive and Precarious*. Palgrave Macmillan.
- Miller, Naomi F; Abdi, Kamyar. (2003). *Yeki bud, yeki nabud: Essays on the Archaeology of Iran in Honor of William M. Sumner*. Cotsen Institute of Archaeology Press.
- Roth, Michael S; Lyons, Claire L; Merewether, Charles. (1997). *Irresistible Decay: Ruins Reclaimed*. Getty Research Institute for the History of Art and the Humanities.
- Whitcomb, Donald. (1971). *The Proto-Elamite Period at Tall-I Ghazir, Iran*.

English Translation of References

Books

- Abbasian, Farajollah. (1386/2007). *“Rām Ormazd “Diyār-e āzādegān” az āqāz tā bar oftādan-e selsele-ye pādešāhi-ye Qājār pirāmun-e tārix-e ejtemā’ee, joqrāfiyāyi-ye Rām-Hormoz”* (Ram Ormazd "Land of the Free" from the beginning to the fall of the Qajar dynasty on the social history and geography of Ramhormoz). [In Persian]
- Abu Saeedeh, Seyyed Hossein. (1385/2006). *“Al-asās-ol-ansāb-on-nās”* (The basis for people's genealogy). Qom: Mo’assese-ye ‘Āšurā. [In Persian]
- Afshar, Iraj. (1373/1994). *“Xuzestān va tamaddon-e dirine-ye ān”* (Khuzestan and its ancient civilization) (vol. 1). Tehran: Vezārat-e Farhang va Eršād-e Eslāmi (Ministry of Culture and Islamic Guidance). [In Persian]
- Alizadeh, Abbas. (2014). *Ancient Settlement Systems and Cultures in the Ram Hormuz Plain, Southwestern Iran: Excavations at Tall-e Geser and Regional Survey of the Ram Hormuz Area*. The Oriental Institute Publications of The University of Chicago.
- Bahar, Mohammad Taghi. (1384/2005). *“Mojmal-ot-tavārix-e val-qesas”* (Collection of histories and stories). Tehran: Donyā-ye Ketā. [In Persian]
- Dolatshahi, Emad Al-Din. (1363/1984). *“Joqrāfiyā-ye qarb-e Irān yā kuh-hā-ye nā-šenāxte-ye Avestā”* (The geography of western Iran or the unknown mountains of Avesta) (vol. 1). [In Persian]
- Ebn-e Balkhi. (1385/2006). *“Fārsnāmeḥ”* (Fars-Nama). Edited by Guy Le Strange &



- Reynold Nicholson. Tehran: Asātir. [In Persian]
- Estakhri, Abu Eshagh Ebrahim. (1397/2018). *“Al-masālek-o val-mamālek”* (Book of roads and kingdoms). Tehran: Bonyād-e Mowqufāt-e Afšār (Dr. Mahmoud Afshar Foundation). [In Persian]
- Hamawi, Yaghout Ibn Abdullah. (1380/2001). *“Mo’jam-ol-boldān”* (Dictionary of Countries) (vol. 2). Translated by Ali Naghi Monzavi. Tehran: Pažuhešgāh-e Sāzmān-e Mirās-e Farhangi-ye Kešvar (Research Institute of Cultural Heritage & Tourism). [In Persian]
- Harding, Sue-Ann. (2022). *An Archival Journey through the Qatar Peninsula: Elusive and Precarious*. Palgrave Macmillan.
- Moghaddasi, Mohammad Ibn Ahmad. (1361/1982). *“Ahsan-ot-taqāsīm fi ma’refat-el-aqālim”* (The best divisions for knowledge of the regions) (vol. 1). Translated by Ali Naghi Monzavi. Tehran: Kumeš. [In Persian]
- Motamedi, Mansour. (1402/2023). *“Rāmhormozān”* (Ramhormozan). Tehran: āvāz. [In Persian]
- Miller, Naomi F; Abdi, Kamyar. (2003). *Yeki bud, yeki nabud: Essays on the Archaeology of Iran in Honor of William M. Sumner*. Cotsen Institute of Archaeology Press.
- Rezvani, Ali Asghar. (1389/2010). *“Kārbord-e ‘ax-hā-ye havāyi va mähvāre-ee dar joqrāfiyā”* (Application of aerial and satellite photos in geography). Dānešgāh-e Payām-e Nur (Payame Noor University). [In Persian]
- Roth, Michael S; Lyons, Claire L; Merewether, Charles. (1997). *Irresistible Decay: Ruins Reclaimed*. Getty Research Institute for the History of Art and the Humanities.
- “Tārix-e Sistān”* (History of Sistan) (vol. 1). (1366/1987). Edited by Mohammad Taghi Bahar & Mohammad Ramezani. Tehran: Padide-ye Xāvar. [In Persian]
- Vanden Berghe, Louis. (1379/2000). *“Bāstān-šenāsi-ye Irān”* (Archeologie de L'Iran ancien) [Archeology of Ancient Iran]. Translated by Isa Behnam. Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). Retrieved from āsemān-e Ketāb Website. [In Persian]



Whitcomb, Donald. (1971). *The Proto-Elamite Period at Tall-I Ghazir, Iran*.

Articles

Ghayyouni, Mehrdad. (2004). “Tahqiq-e tafsiri-ye tārixi dar me’māri” (Historical interpretation research in architecture). *Soffeh*, 14(2). [In Persian]

Mashhour, Zeynab. (1398/2019). “Bāz-šenāsi-ye ‘anāser-e kālbodi-ye kār-kardi-ye mo’asser dar šekl-giri-ye bāft-e tārixi-ye Behbahān (Az dowre-ye Safaviyeh tv Pahlavi) bar mabnā-ye olgu-ye šahr-hā-ye tārixi” (Recognition of physical and functional elements effective in the formation of the historical context of Behbahān (from Safavid to Pahlavi period) based on the model of historical cities). *Me’māri-šenāsi*, 2(12), pp. 138 – 148. [In Persian]

Mehranpour, Hadi; & Dinarvand, Yousof. (1390/2011). “Bāstān-šenāsi-ye Xuzestān” (Archeology of Khuzestan). In Yousof Hasanzadeh & Sima Miri (Eds.), *“Majmu’e-maqālāt-e 80 sāl bāstān-šenāsi-ye Irān”* (Eighty Years of Iranian Archaeology). Tehran: Pāzineh. [In Persian]

Shishegar, Arman; Ghasemi, Mohsen; & Mombeini, Narges. (1395/2016). “Tabaqebandi va moqāyese-ye sofāl-e ‘Ilām-e no (Motālēe-ye moredi-ye mohavvate-ye bāstvni-ye Jubaji – Rāmhormoz)” (Classification and comparison of New Elam pottery (Case study of Jobaji-Ramhormoz ancient site). *Bāstān-šenāsi-ye Irān* (Archeology of Iran), 6(2), p. 29. [In Persian]

Interviews

“Goftegu bā Ostād Fazlollāh Movahhedi piškesvat-e xayycti dar Rāmhormoz va šāer” (Interview with Master Fazlollah Movahedi, a veteran tailor in Ramhormoz and poet). (1402/2023). [interview]. Interviewed by Mohammad Ali Behvand Yousefi. *Hafte-nāme-ye Rāmhormoz-nāmeḥ*: <https://ramhormoznamehnews.ir>. Shortened webpage address: <https://adr3.ir/Qmy5>. [In Persian]

Moazzen, Mohammad Esmael. (1402/2023). “Mosāhebeh bā Mohammad Esmā’eel Mo’azzen” (Interview with Mohammad Esmael Moazzen). Interviewed by Sajjad Moazzen. [In Persian]

Sarkahaki, Fereydoun. (1391/2012). “Mosāhebeh bā Fereydoun Sarkahaki darbāre-ye āsiyāb-e ābi” (Interview with Fereydoun Sarkahaki about the water mill). Inter-



viewed by Molayi. [In Persian]

Online sources

Dāneš-nāme-ye Tārix-e Meṃmāri va Šahrsāzi-ye Irān (Encyclopedia of Iranian Architectural History), entry 19476. (1403/2024). Retrieved from <https://iranarchpedia.ir/entry/19476>. [In Persian]

Dāneš-nāme-ye Tārix-e Meṃmāri va Šahrsāzi-ye Irān (Encyclopedia of Iranian Architectural History), entry 24396. (1403/2024). Retrieved from <https://iranarchpedia.ir/entry/24396>. [In Persian]

Dāneš-nāme-ye Tārix-e Meṃmāri va Šahrsāzi-ye Irān (Encyclopedia of Iranian Architectural History), entry 25203. (1403/2024). Retrieved from <https://iranarchpedia.ir/entry/25203>. [In Persian]

Ghorbani, Omid. (7 October 2022). "Naqše-ye havāyi-ye Irān, az avvalin (qadimi-tarin) tā āxarin (jadid-tarin)" (Air map of Iran, from the first (oldest) to the last (newest)): <https://mapscale.ir>. Shortened webpage address: <https://adr3.ir/YWpP>. [In Persian]

Mirsalari, Araz. (1390/2011). "Šahr-e bāstāni-ye Rāmhormoz rā bešenāsim" (Let's get to know the ancient city of Ramhormoz). Retrieved from <http://simaaraz.Parsi-Blog.com>. [In Persian]

"Rāmhormoz-šenāsi va motāle'āt-e tārixi-ye Xuzestvn" (Ramhormozology and historical studies of Khuzestan). (1398/2019). Retrieved from <http://hossein117.blogfa.com>. [In Persian]

Thesis

DERIU, D. (2004). "The photogenic city: Aerial photography and urban visions in Europe, 1914-1945". [Architectural History and Theory Doctoral thesis, The Bartlett Faculty of the Built Environment University College London]

